

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

A decorative calligraphic flourish in black ink, featuring thick, flowing lines that curve and loop. It includes several small, solid black squares and various diacritical marks (dots and lines) scattered around the main text, adding to its ornate appearance.

تهیه و تنظیم:

مدیر بودجه: حسن ایرانی

کارشناس بودجه: سمیرا سیفی

دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مراغه

۱۳۹۴

فهرست مطالب

۵.....	نظارت بر بودجه.....
۶.....	نظارت بر بودجه در ایران.....
۶.....	نظارت درونی.....
۷.....	نظارت مالی.....
۷.....	ذیحساب.....
۸.....	خزانه داری کل کشور.....
۸.....	نظارت عملیاتی.....
۹.....	مبادله موافقت نامه.....
۹.....	گزارش پیشرفت کار.....
۹.....	کمیته تخصیص اعتبار.....
۱۰.....	نظارت بیرونی.....
۱۱.....	نظارت قضایی.....
۱۱.....	نظارت دیوان محاسبات.....
۱۱.....	اهداف دیوان محاسبات.....
۱۲.....	وظایف دیوان محاسبات.....
۱۲.....	اختیارات دیوان محاسبات.....

۱۳..... نظارت سازمان بازرسی کل کشور

۱۴..... نظارت پارلمانی

۱۵..... محتوای گزارش تفریغ بودجه

۱۸..... وظایف دستگاه های اجرایی در پایان سال مالی

۲۰..... دستگاه های نظارت کننده بر شرکت های دولتی

بودجه ریزی در ایران شامل چهار مرحله زیر می باشد :

۱- مرحله تهیه و تنظیم و پیشنهاد لایحه بودجه

۲- مرحله تصویب بودجه

۳- مرحله اجرای بودجه

۴- مرحله نظارت بر بودجه

نظارت بر بودجه

(مرحله چهارم از فرآیند بودجه ریزی در ایران)

مرحله نظارت

نظارت بر اجرای بودجه مرحله چهارم و آخرین مرحله از فرآیند بودجه است،

تنظیم و نظارت بودجه دو مرحله متمایز از مراحل چهارگانه گردش بودجه را تشکیل می دهند اما کنترل بودجه

تا حد قابل توجهی به چگونگی تنظیم برنامه ارتباط دارد.

نظارت دقیق بر چگونگی اجرای بودجه از اهمیت خاصی برخوردار بوده و نقش مهمی در تحقق اهداف پیش

بینی شده در بودجه و برنامه های دولتی خواهد داشت.

نظارت بر بودجه در ایران

با توجه به قوای نظارت کننده به سه دسته نظارت اداری، نظارت قضایی و نظارت پارلمانی تقسیم می شوند.

نظارت وزارت امور اقتصادی و دارایی، نظارت سازمان مدیریت و برنامه ریزی، نظارت قوه مقننه نوع دیگری از این تقسیم بندی می باشد.

تقسیم بندی دیگری نیز وجود دارد.

۱- نظارت و کنترل قوه مجریه یا نظارت درونی

۲- نظارت و کنترل قوه مقننه یا کنترل بیرونی.

با توجه به ماهیت کلی نظارت به دو نوع نظارت درونی و بیرونی تقسیم می شود.

۱- نظارت درونی:

نظارتی است که توسط قوه مجریه در داخل و به وسیله خودش و به منظور اطمینان از اجرای صحیح قانون صورت می گیرد. این نوع نظارت را نظارت اداری نیز می نامند.

نظارت درونی به شکل نظارت مالی و نظارت عملیاتی توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی صورت می گیرد.

الف) نظارت مالی:

نوع نظارت وزارت امور اقتصادی و دارایی نظارت مالی است. چنانچه در ماده ۹۰ قانون محاسبات عمومی آمده است:

((اعمال نظارت مالی بر مخارج وزارتخانه ها و موسسات دولتی و شرکت های دولتی از نظر انطباق پرداخت ها با مقررات این قانون سایر قوانین و مقررات راجع به هر نوع خرج، به عهده وزارت امور اقتصادی و دارایی است.))
*نظارت مالی وزارت دارایی از طریق ذیحسابان ، خزانه داری و سازمان های حسابرسی وابسته به عمل می آید.

۱- ذیحساب:

ذیحساب ماموری است که به موجب حکم وزارت امور اقتصادی و دارایی به این سمت منصوب می شود.
*درخواست وجه و تامین اعتبار از خزانه و تایید اسناد و مدارک هزینه در مراحل تفصیلی اجرای بودجه از جمله وظایف ذیحسابان می باشد.

* تامین اعتبار از لحاظ زمانی نظارت قبل از خرج محسوب می شود. درخواست وجه و نظارتی که ذیحساب هنگام پرداخت چک در وجه ذینفع به عمل می آورد از لحاظ زمانی نظارت حین خرج است.

۲- خزانه داری کل کشور:

خزانه داری کل زیر نظر وزارت امور اقتصادی و دارایی قرار دارد. بر اساس اصل ۵۳ قانون اساسی کلیه دریافت‌های دولت در حساب خزانه داری کلی نمایندگی خزانه در استان‌ها متمرکز می‌شود و همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌شود.

* نظارت خزانه از لحاظ زمانی نظارت حین خرج محسوب می‌گردد. از طریق تهیه صورتحساب عملکرد نظارت سازمانهای حسابرسی وابسته به وزارت امور اقتصادی و دارایی انجام می‌گیرد.

* بر طبق ماده ۱۰۳ ق.م.ع ((وزارت امور اقتصادی و اداری مکلف است صورتحساب عملکرد هر سال مالی را حداکثر تا پایان آذر ماه سال بعد طبق تقسیمات و عناوین درآمد و سایر منابع تامین اعتبار و اعتبارات مندرج در قانون بودجه سال مربوطه تهیه و همراه با صورت گردش نقدی خزانه به طور همزمان یک نسخه از آن را به دیوان محاسبات و یک نسخه را به هیات وزیران تسلیم نماید.))

* این نوع نظارت اداری پس از خرج توسط سازمانهای حسابرسی وابسته به این وزارتخانه انجام می‌گیرد.

ب) نظارت عملیاتی:

نوع نظارت سازمان مدیریت و برنامه ریزی نظارت عملیاتی است چنانچه در بند ۶ ماده ۵ قانون برنامه و بودجه از جمله وظایف این سازمان به نظارت مستمر در اجرای برنامه‌ها و پیشرفت سالانه آنها طبق مفاد فصل نهم این قانون اشاره شده است.

* نظارت عملیاتی سازمان مدیریت و برنامه ریزی از طریق مبادله موافقت نامه و دریافت گزارشات پیشرفت کار دستگاه‌های اجرایی و کمیته تخصیص اعتبار که دبیرخانه آن در این سازمان مستقر انجام می‌شود.

(۱) مبادله موافقت نامه:

موافقت نامه یک سند مالی معتبر است که در دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کل کشور که دو مرجع ناظر بر قوه مجریه هستند قابل استناد بوده و وسیله مناسبی برای اطلاع رسانی از آنچه در درون خود می گذرد می باشد.

* موافقت نامه یکی از ابزارهای نظارت قوه مجریه بوده و مبادله آن از لحاظ زمانی نظارت قبل از خرج می باشد.

(۲) گزارش پیشرفت کار:

ماده ۳۵ قانون برنامه و بودجه به این امر اشاره دارد که : دستگاه های اجرایی موظفند در پیشرفت فعالیت های جاری و عمرانی مراقبت دائم به عمل آورند و منضما به ترتیبی که از طرف سازمان (منظور سازمان مدیریت و برنامه ریزی است) تعیین می شود اطلاعات لازم را به سازمان تسلیم نمایند و کلیه تسهیلات لازم برای نظارت و ارزشیابی سازمان بر نتایج اجرای فعالیت ها و طرح ها از هر حیث فراهم سازند.

این نظارت از لحاظ زمانی، نظارت حین خرج است.

(۳) کمیته تخصیص اعتبار:

به استناد ماده ۳۰ قانون برنامه و بودجه کلیه اعتبارات جاری و عمرانی که در بودجه عمومی دولت به تصویب می رسد بر اساس گزارش های اجرایی بوده و پیشرفت عملیات در دوره های معین شده توسط کمیته ای مرکب از نمایندگان وزارت دارایی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی تخصیص داده می شود.

اعضای کمیته تخصیص اعتبار مرکب از رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی، معاون وزارت دارایی و خزانه دار کل کشور، معاون بودجه سازمان مدیریت و برنامه ریزی و یکی از صاحب منصبان آن سازمان، مدیر کل خزانه و مدیر کل نظارت بر اجرای بودجه است. ریاست کمیته با رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی می باشد.

*کلیه اعتبارات جاری و عمرانی بر اساس گزارش های اجرایی بودجه و پیشرفت عملیاتی دستگاه های اجرایی در دوره های معین شده توسط کمیته تخصیص اعتبار، تخصیص داده می شود.

*این نوع نظارت که عمدتاً دارای ابعاد عملیاتی و پیشرفت کار و نتایج حاصله از آن است به اعمال نظارت حین خرج می پردازد.

کلیه اعتبارات جاری و عمرانی بر اساس گزارش های اجرایی بودجه و پیشرفت عملیاتی دستگاه های اجرایی در دوره های معین شده توسط کمیته تخصیص اعتبار، تخصیص داده می شود.

*این نوع نظارت که عمدتاً دارای ابعاد عملیاتی و پیشرفت کار و نتایج حاصله از آن است به اعمال نظارت حین خرج می پردازد.

۲- نظارت بیرونی:

نظارتی است که توسط سایر قوا بر قوه مجریه به منظور اطمینان از اجرای صحیح قانون بودجه صورت می گیرد. نظارت بیرونی معمولاً به دو نوع نظارت قضایی و نظارت پارلمانی تقسیم می شود.

الف) نظارت قضایی:

اعمال نظارت قضایی به وسیله قوای مقننه و قضاییه توسط دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کل کشور صورت می گیرد.

*نظارت قضایی در بودجه به وسیله قوه مقننه توسط دیوان محاسبات به عمل می آید که به لحاظ ماهیت قضایی، داشتن نوعی حسابرسی و رسیدگی مالی است.

به موجب اصل ۱۷۴ قانون اساسی سازمان بازرسی کل کشور بر اساس حق نظارت قوه قضاییه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه های اداری زیر نظر رئیس قوه قضاییه تشکیل شده است. بنابراین نظارت قوه قضاییه بر حسن اجرای صحیح قوانین بالطبع قوانین بودجه را نیز شامل می شود.

۱ - نظارت دیوان محاسبات:

اهداف دیوان محاسبات:

عبارت است از اعمال کنترل و نظارت مستمر مالی به منظور پاسداری از بیت المال از طریق:

الف- کنترل عملیات و فعالیت های مالی کلیه وزارتخانه ها، موسسات، شرکت های دولتی.

ب- بررسی و حسابرسی وجوه مصرف شده و درآمدها و سایر منابع تامین اعتبار در ارتباط با سیاست های مالی تعیین شده در بودجه.

ج- تهیه و تدوین گزارش حاوی نظرات در مورد لایحه تفریح بودجه و ارائه آن به مجلس شورای اسلامی

وظایف دیوان محاسبات:

- ۱- حسابرسی یا رسیدگی کلیه حسابهای درآمد و هزینه
- ۲- رسیدگی به موجودی حساب اموال و دارایی های دستگاه ها
- ۳- بررسی و اطمینان از برقراری روش ها و دستورالعمل های مناسب مالی و کاربرد موثر آن در جهت نیل به اهداف دستگاه های مورد رسیدگی
- ۴- اعلام نظر در خصوص لزوم وجود مرجع کنترل کننده داخلی و یا عدم کفایت مرجع کنترل کننده
- ۵- رسیدگی به حساب کسری ابوابجمعی و تخلفات مالی
- ۶- تجزیه و تحلیل لایحه تفریغ بودجه ارسالی از طرف قوه مجریه

اختیارات دیوان محاسبات:

((دیوان محاسبات کشور برای انجام وظایف خود می تواند در تمامی امور مالی کشور تحقیق و تفحص نموده و در تمامی موارد مستقیماً مکاتبه نماید و تمام مقامات جمهوری اسلامی ایران و قوای سه گانه و سازمان ها و ادارات تابعه و کلیه اشخاص و سازمان هایی که به نحوی از بودجه کل کشور استفاده می نمایند مکلف به پاسخگویی مستقیم می باشند. حتی در مواردی که از قانون محاسبت عمومی مستثنی شده باشد.))

۲- نظارت سازمان بازرسی کل کشور

اصل ۱۷۴ قانون اساسی مقرر داشته باشد:

((بر اساس حق نظارت قوه قضاییه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه های اداری سازمانی به نام سازمان بازرسی کل کشور زیر نظر قوه قضاییه تشکیل می گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون معین می کند.))

وظایف و اختیارات

۱- بازرسی مستمر کلیه وزارتخانه ها و ادارات و نیروهای انتظامی و نظامی و موسسات و شرکت های دولتی و شهرداری ها و موسسات وابسته به آنها

۲- انجام دادن بازرسی های فوق العاده بر حسب دستور رئیس قوه قضاییه

۳- اعلام موارد تخلف و نارسایی ها و سو جریانات اداری و مالی در خصوص وزارتخانه ها و نهادهای انقلابی به رئیس جمهور و در خصوص موسسات و شرکت های دولتی وابسته به دولت به وزارتخانه تابعه و در خصوص شهرداری ها و موسسات وابسته به آنها به وزیر کشور

به طور کلی بازرسی کل کشور بر حسن اجرای قوانین نظارت داشته و تخلف، نارسایی ها و سو جریانات اداری و مالی را به مراجع ذی صلاح اعلام می دارد.

ب) نظارت پارلمانی:

نظارت پارلمانی در ایران از طریق مجلس شورای اسلامی صورت می گیرد. این نظارت به منظور آگاهی از چگونگی پرداخت های دولت و استفاده از وجوه عمومی و دریافت های دولت صورت می گیرد.

۱- نظارت پارلمانی در طی سال مالی

نظارت پارلمانی در هنگام اجرای بودجه در طی سال مالی معمولاً به صورت طرح سؤال و یا استیضاح هیات وزیران و یا هر یک از وزرا انجام می شود.

۲- نظارت پارلمانی پس از پایان سال مالی

نظارت پارلمانی در پایان سال مالی از طریق رسیدگی به گزارش تفریغ بودجه اعمال می گردد. منظور از تفریغ بودجه یعنی ارائه و بررسی حسابهای دولت طبق بودجه و برنامه های مصوب.

* یک تفریغ بودجه مطلوب نتیجه اجرای سیاست ها، میزان قطعی وصولی ها، انجام پرداخت ها و تجزیه و تحلیل میزان موفقیت دولت در اجرای برنامه ها را نشان می دهد.

* در برداشت عملی، تفریغ بودجه یعنی اعلام این که بودجه مصوب مطابق با مفاد قانون بودجه مصوب مطابق با مفاد قانون بودجه اجرا شده است، ارقام قطعی درآمدها وصول شده اند، هزینه های پیش بینی شده در محل خود به صورت قطعی و به میزان اعتبار مقرر جذب شده اند و صحت آنها مورد تایید دیوان محاسبات است.

*اولین گزارش تفریغ بودجه که توسط دیوان محاسبات کشور تهیه شد مربوط به سال ۱۳۶۱ بود که در اسفند ماه ۱۳۷۰ به مجلس تقدیم گردد. دومین گزارش دیوان مربوط به سالهای ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ بود که در شهریور ماه ۱۳۷۳ به مجلس تقدیم گردید.

*تفریغ بودجه نه تنها از لحاظ کمی، اعتبارات مصوب را با هزینه های انجام شده کنترل می نماید، بلکه از نظر کیفی نیز می باید توانایی یا عدم توانایی دولت را در انجام وظایف خود ارزیابی نماید.

محتوای گزارش تفریغ بودجه:

یک گزارش تفریغ بودجه باید حداقل حاوی اطلاعات زیر باشد:

۱. محدوده رسیدگی:

در مقدمه گزارش تفریغ بودجه بایستی ابعاد و محدوده رسیدگی دیوان محاسبات کشور به حسابهای سازمان های دولتی که نتایج عملکرد مالی آنها در گزارش تفریغ بودجه درج شده است، روشن گردد.

۲. ویژگی های صورتحساب عملکرد سالانه بودجه کل کشور:

صورتحساب عملکرد سالانه بودجه کل کشور منبع اصلی تهیه گزارش تفریغ بودجه می باشد، لذا خصوصیات صورتحساب مذکور که توسط دولت تهیه شده است بایستی در گزارش منعکس گردد.

۳. رعایت اصل کنترل بودجه ای:

در گزارش تفریغ بودجه بایستی بر اساس اصل افشای حقایق، در مورد مصرف اعتبارات مصوب تخصیص یافته دستگاه های دولتی در قالب تقسیمات، عناوین و طبقه بندی های بودجه ای و مفاد موافقت نامه های متبادله بین دستگاه های اجرایی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی اظهار نظر شود.

۴. مصرف صحیح هر یک از وجوه دولتی:

با رعایت اصل لزوم نگهداری حسابهای مستقل برای وجوه دولتی. دیوان محاسبات کشور با استفاده از گزارش حسابرسی حسابرسان خود با بررسی سیستم حسابداری دستگاه های دولتی بایستی از گزارش تفریغ بودجه منعکس نماید.

۵. رعایت قوانین و مقررات:

اعتبارات مصوب تخصیص یافته دستگاه های دولتی که به نحوی از انحا از بودجه کل کشور استفاده می نمایند بایستی با رعایت قوانین و مقررات مالی و محاسباتی مصرف شود.

تخلف دستگاه های دولتی از قوانین و مقررات حاکم بر مصرف وجوه دولتی بایستی به نحوی جمع آوری ، طبقه بندی و ریشه یابی گردد که در موقع ارائه آن در قالب گزارش تفریغ بودجه پاسخگوی سئوالات باشد.

۶. اعتبارات خارج از شمول قانون محاسبات عمومی:

بخشی از اعتبارات بودجه سالانه دولت به موجب مجوزهای قانونی بدون رعایت قانون محاسبات عمومی و سایر مقررات عمومی دولتی مصرف می شود نحوه مصرف این قبیل اعتبارات علت استفاده دولتی و آثار جانبی مثبت و منفی اعتبارات مورد بحث بایستی در گزارش تفریح بودجه منعکس گردد.

۷. مقایسه درآمدهای واقعی با درآمدهای پیش بینی شده:

در رابطه با وصول صحیح و به موقع درآمدها و همچنین رعایت اصل تمرکز عایدات در حسابهای خزانه کل در اصل ۵۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی مورد تاکید قرار گرفته است و می بایست در گزارش تفریح بودجه اظهار نظر و موارد خلاف منعکس گردد.

۸. پرداخت های غیر قطعی جاری و سنواتی:

نسبت پرداخت های غیرقطعی سال مورد عمل بودجه به کل اعتبارات سالانه در گزارش تفریح بودجه منعکس گردد و در خصوص تناسب یا عدم تناسب آن با پرداخت های قطعی اظهار نظر شود.

۹. وضعیت شرکت های دولتی:

در گزارش تفریح بودجه نسبت به وضعیت مالی شرکت های دولتی و کاهش یا افزایش درآمدهای آنها اظهار نظر شود.

و نظرات دیوان محاسبات کشور در مورد عملکرد شرکت های دولتی مورد بحث منعکس گردد.

وظایف دستگاه های اجرایی در پایان سال مالی

در پایان هر سال مالی دستگاه های اجرایی باید درآمدها و اعتبارات، هزینه های قطعی و غیر قطعی خود را در قالب فرم های تفریغ بودجه که در ذیل به برخی از آنها اشاره می شود گزارش نماید.

فرم شماره ۱

وضعیت اعتبارات عمرانی هر دستگاه اجرایی را بر حسب طرح عمرانی در سال بودجه نشان می دهد.

فرم شماره ۲

وضعیت اعتبارات جاری هر دستگاه اجرایی بر حسب برنامه و فصول هزینه در سال مورد نظر را نشان می دهد.

فرم شماره ۳

خلاصه عملکرد بودجه اعتبارات جاری در سال بودجه بر حسب برنامه و فصول هزینه است.

فرم شماره ۴

خلاصه عملکرد بودجه سالانه از محل اعتبارات طرح عمرانی در سال بودجه بر حسب طرح عمرانی است.

فرم شماره ۵

خلاصه عملکرد بودجه سالانه از محل اعتبارات جاری طرح در سال بودجه ای بر حسب برنامه است.

فرم شماره ۶

خلاصه عملکرد بودجه سالانه از محل ردیف های عمومی در سال بودجه ای است.

فرم شماره ۷

این فرم جهت درج خلاصه عملکرد بودجه سالانه از محل ردیف های عمومی به طرح های عمرانی مشخص تقسیم و موافقت نامه مبادله شده مورد استفاده قرار می گیرد.

فرم شماره ۸

خلاصه وضعیت عملکرد از محل پیش پرداخت ها و علی الحساب های سنوات قبل در سال بودجه ای بوده و نیازی به انعکاس بر اساس تفکیک طرح یا برنامه نخواهد بود.

فرم شماره ۹

خلاصه عملکرد بودجه سالانه از نظر درآمدهای عمومی - اختصاصی مورد پیش بینی و وصولی بوده و در دستگاه های اجرایی که بر اساس قانون مجوز دریافت درآمدهای مختلف را دارند مورد استفاده قرار می گیرد.

فرم شماره ۱۰:

خلاصه عملکرد بودجه سالانه از محل اعتبارات درآمد اختصاصی در سال بودجه ای بر حسب برنامه است و در دستگاه هایی مورد استفاده قرار خواهند گرفت که بر اساس قانون مجوز دریافت درآمد اختصاصی و مصرف تمام یا قسمتی از آن را دارا هستند.

فرم شماره ۱۱:

صورت خلاصه اعتبارات سرمایه گذاری ثابت در سال بودجه ای است که در این فرم اعتبارات مصوب استانی و تخصیصی از محل اعتبارات ردیف های کشوری - عمرانی در آن قید می گردد.

پس از تهیه گزارشات هر دستگاه، این گزارشات جمع بندی شده و توسط دیوان محاسبات کشور به مجلس

شورای اسلامی تقدیم می گردد.

دستگاه‌های نظارت کننده بر شرکتهای دولتی :

بر اساس قوانین مختلف مرتبط با نظارت بر شرکتهای دولتی، ۶ نهاد نظارتی می‌توانند به طور مستقیم بر فعالیت شرکتهای دولتی نظارت کنند :

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور :

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور که از ادغام دو سازمان امور اداری و استخدامی کشور و سازمان برنامه و بودجه تشکیل شده است، دارای وظایف نظارتی متعددی در خصوص شرکتهای دولتی است که در این قسمت سعی خواهد شد منشأ قانونی آنها مورد اشاره قرار گیرد.

عمده وظایف نظارتی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور نشأت گرفته از قانون برنامه و بودجه است. براساس ماده ۵ قانون برنامه و بودجه یکی از وظایف سازمان مزبور، نظارت مستمر بر اجرای برنامه‌ها و پیشرفت سالانه آنها است. از سوی دیگر، براساس ماده یک همین قانون برنامه‌ها به سه گروه اصلی درازمدت، پنجساله و سالانه تقسیم شده‌اند که لازم است وظایف و عملیات اجرایی تمام دستگاههای اجرایی در آنها مشخص و تعیین شده باشد.

بنابراین در تمام برنامه‌های توسعه‌ای (اعم از درازمدت، پنجساله و سالانه) باید وظایف دستگاههای اجرایی (از جمله شرکتهای دولتی) تعیین شود و سازمان مدیریت نیز بر حسن اجرای آنها نظارت کند.

همچنین در فصل نهم قانون برنامه و بودجه موارد متعددی به نظارت سازمان مدیریت بر دستگاههای اجرایی (از جمله شرکتهای دولتی) اختصاص دارد، از جمله به استناد ماده ۳۴ قانون یادشده، سازمان مدیریت موظف است در مورد اجرای فعالیتها و طرحهای عمرانی که هزینه آن از محل اعتبارات جاری و عمرانی دولت تأمین می‌شود به منظور ارزشیابی و از نظر مطابقت عملیات و نتایج حاصل با هدفها و سیاستهای تعیین شده در

قوانین برنامه عمرانی و قوانین بودجه کل کشور، دستورالعمل‌ها و مشخصات طرح‌ها و مقایسه پیشرفت کار با جدول های زمانی فعالیت‌های جاری و طرح‌های عمرانی مربوط نظارت کند و برای انجام این منظور به طور مستمر از عملیات طرح‌ها و فعالیت‌های دستگاه‌های اجرایی (از جمله شرکت‌های دولتی) بازدید و بازرسی کند و دستگاه اجرایی را به طور مرتب در جریان نظارت و نتایج حاصل از آن بگذارد. همچنین به استناد ماده ۳۵ همان قانون، دستگاه‌های اجرایی (از جمله شرکت‌های دولتی) موظفاند در پیشرفت فعالیت‌های جاری و طرح‌های عمرانی مراقبت دایم به عمل آورند و به طور منظم به ترتیبی که از طرف سازمان مدیریت تعیین می‌شود، اطلاعات لازم را به سازمان مزبور تسلیم کنند و تمام تسهیلات و همکاری لازم برای نظارت و ارزشیابی سازمان مدیریت بر نتایج اجرای فعالیت‌ها و طرح‌ها را از هر حیث فراهم سازند. با توجه به دو ماده یاد شده، سازمان مدیریت در اجرای طرح‌های عمرانی که هزینه آن از محل اعتبارات جاری و عمرانی دولت تأمین می‌شود، موظف به نظارت است و دستگاه‌های اجرایی از جمله شرکت‌های دولتی نیز در زمینه پیشرفت فعالیت‌های جاری و طرح‌های عمرانی ملزم به ارسال گزارش به این سازمان هستند. ((این بخش در قسمت نظارت بر بودجه بحث شد))

همچنین مطابق ماده ۳۸ قانون برنامه و بودجه، دستگاه‌های اجرایی که بیش از بیست و پنج درصد منابع مالی خود را از محل بودجه عمومی دولت دریافت می‌کنند، از نظر پرداخت حقوق و مزایای کارکنان خود موظف به رعایت تصمیم‌های شورای حقوق و دستمزد هستند و درباره آنها، نظارت طبق مفاد فصل ۹ قانون مزبور به عمل خواهد آمد. در واقع این ماده قانونی، نظارت سازمان مدیریت را بر شرکت‌های دولتی از منظر استفاده از اعتبارات جاری دولت تبیین می‌کند. نکته حایز اهمیت آن است که به استناد احکام قانون برنامه و بودجه، سازمان مدیریت می‌تواند تنها بر طرح‌های عمرانی و فعالیت‌های جاری شرکت‌هایی نظارت داشته باشد که به نوعی از بودجه عمومی استفاده می‌کنند. حال آنکه بسیاری از شرکت‌های دولتی از این محل استفاده نمی‌کنند و از این حیث تحت نظارت سازمان مدیریت قرار نمی‌گیرند.

به جز موارد یاد شده، برخی دیگر از مواد قانون برنامه و بودجه نیز به نوعی به وظایف نظارتی سازمان مدیریت اختصاص دارند که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

مواد ۱۷ و ۱۹ قانون یاد شده با مکلف کردن شرکت‌های دولتی به ارسال برنامه سرمایه‌گذاری سال بعد خود که از محل منابع داخلی شرکت‌های مزبور تأمین اعتبار می‌شود، نظارت سازمان مدیریت بر شرکت‌های دولتی را تقویت کرده است.

به استناد ماده ۲۲ این قانون نیز وظیفه تشخیص صلاحیت و طبقه بندی مهندسان مشاور و پیمانکاران، براساس آیین‌نامه مصوب هیأت وزیران، به عهده سازمان مدیریت است. با توجه به آنکه تعداد زیادی از شرکت‌های دولتی در حال حاضر در بسیاری از طرح‌های عمرانی مشغول به انجام فعالیت‌های پیمانکاری و مشاوره هستند، از این رو، مکلف به انطباق شرایط خود با مفاد آیین‌نامه‌های مصوب در این خصوص هستند. با توجه به آنکه این آیین‌نامه‌ها به پیشنهاد سازمان مدیریت به تصویب هیأت وزیران می‌رسند، سازمان مدیریت می‌تواند از طریق تدوین مقررات و ضوابط مناسب در بحث تشخیص صلاحیت و ارزشیابی پیمانکاران و مشاوران بر شرکت‌های دولتی که در این زمینه فعالیت می‌کنند، نظارت کند.

قانونگذار در ماده ۲۳ قانون برنامه و بودجه با الزام دستگاه‌های اجرایی (از جمله شرکت‌های دولتی) به رعایت استانداردها و اصول کلی و شرایط عمومی قراردادهای مربوط به طرح‌های عمرانی مطابق آیین‌نامه مصوب هیأت وزیران، تهیه شده توسط سازمان مدیریت، بحث نظارت این سازمان را به صورت قوی‌تری پیش‌بینی کرده است.

نظارت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور بر شرکت‌های دولتی از بعد امور اداری و استخدامی نیز به طور عمده به حوزه استخدام و طبقه‌بندی مشاغل متمرکز بوده و بسیاری از امور مربوط به کارکنان به مجمع عمومی یا شورای عالی شرکت‌ها تفویض شده است.

براساس ماده ۳ مقررات استخدامی شرکت‌های دولتی (مصوب ۱۳۵۲/۳/۵)، تعیین مشاغل کارگری به عهده شرکت و با تأیید سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور است. همچنین به موجب تبصره یک ذیل ماده ۱۱ قانون مزبور، طرح طبقه‌بندی مشاغل که شامل دستورالعمل ارزیابی مشاغل و همچنین دستورالعمل اجرایی طرح و شرح وظایف و شرایط احراز طبقات مشاغل و فهرست تخصیص طبقات مشاغل به گروه‌ها است، پس از تأیید سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور صورت می‌گیرد.

براساس ماده ۳ مقررات استخدامی شرکت‌های دولتی (مصوب ۱۳۵۲/۳/۵)، تعیین مشاغل کارگری به عهده شرکت و با تأیید سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور است. همچنین به موجب تبصره یک ذیل ماده ۱۱ قانون مزبور، طرح طبقه‌بندی مشاغل که شامل دستورالعمل ارزیابی مشاغل و همچنین دستورالعمل اجرایی طرح و شرح وظایف و شرایط احراز طبقات مشاغل و فهرست تخصیص طبقات مشاغل به گروه‌ها است، پس از تأیید سازمان مدیریت قابل اجرا خواهد بود.

بدین ترتیب سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور قادر است بر امور استخدامی شرکت‌های دولتی نظارت کند. این موضوع در ماده دیگری از قانون یادشده، تقویت می‌شود. مطابق ماده ۷۸ مقررات استخدامی شرکت‌های دولتی تمام دستورالعمل‌های اجرایی که در حدود مقررات قانون مزبور تهیه می‌شود، پس از تأیید سازمان مدیریت و تصویب مجمع عمومی یا شورای عالی شرکت قابل اجرا بوده و شرکت مکلف است مصوبات مجمع عمومی یا شورا را در امور استخدامی به سازمان مدیریت ارسال کند.

یکی دیگر از موارد نظارتی سازمان مدیریت، قانون حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی و تولیدی و صنعتی و اجرایی کشور در اجرای پروژه‌ها و ایجاد تسهیلات به منظور صدور خدمات (مصوب ۱۳۷۵/۱۲/۱۲ مجلس شورای اسلامی) است. ماده یک قانون یادشده بیان کرده است: به منظور استفاده بیشتر از توان فنی و مهندسی، تولیدی و صنعتی و اجرایی کشور، تمام وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسه‌ها و شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت

(موضوع ماده ۴ قانون محاسبات عمومی) در ارجاع کارهای خدمات مهندسی مشاور، پیمانکاری، ساختمانی، تأسیساتی و تجهیزاتی پروژه‌های خود اعم از اینکه از بودجه عمومی دولت یا از درآمدهای خود یا اعتبارات و تسهیلات ارزی و ریالی دستگاه‌های مزبور استفاده می‌کنند باید براساس این مصوبه اقدام کنند.

ماده ۳ قانون یادشده نیز بیان داشته ارجاع کارهای خدمات مهندسی مشاور و پیمانکاری ساختمانی، تأسیساتی، تجهیزاتی و خدماتی تنها به مؤسسه‌ها و شرکت‌های داخلی مجاز است و در صورت عدم امکان، با پیشنهاد دستگاه اجرایی و تصویب شورای اقتصاد، از طریق مشارکت شرکت‌های ایرانی خارجی مجاز خواهد بود که حداقل سهم ارزشی کار طرف ایرانی ۵۱ درصد باشد.

از آنجایی که دبیرخانه قانون یادشده و همچنین دبیرخانه شورای اقتصاد که بر حسن اجرای این قانون نظارت دارد در سازمان مدیریت قرار دارند، از این رو، سازمان مدیریت به استناد این قانون می‌تواند بر نحوه ارجاع کار شرکت‌های دولتی به سایر شرکت‌ها نظارت داشته باشد.

از موارد دیگری که سازمان مدیریت به استناد آن می‌تواند بر فعالیت شرکت‌های دولتی نظارت کند، قانون برگزاری مناقصات (مصوب ۱۳۸۳/۱۱/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام) است. در بند «ب» ماده یک قانون یاد شده یکی از موارد شمول قانون را شرکت‌های دولتی عنوان و شرکت‌های دولتی را مکلف کرده است در مراحل برگزاری مناقصه به استناد موارد یادشده در این قانون عمل کنند. همچنین به استناد ماده ۳۰ این قانون تمام قوانین و مقررات مغایر در شرکت‌های دولتی در این خصوص از تاریخ تصویب آن منسوخ شده‌اند. از این رو، با توجه به آنکه تدوین آیین‌نامه‌های موضوع ماده ۸ درخصوص تهیه آیین‌نامه هیأت رسیدگی به شکایات، ماده ۱۲ تهیه آیین‌نامه ارزیابی کیفی مناقصه‌گران، ماده ۲۳ تهیه آیین‌نامه مستندسازی و اطلاع‌رسانی مناقصات، بند «الف» ماده ۲۶ تهیه آیین‌نامه نحوه تهیه فهرست مناقصه‌گران صلاحیت‌دار و بند «ه» ماده ۲۹ تهیه آیین‌نامه خرید خدمات مشاوره‌ای به عهده سازمان مدیریت است با پیش‌بینی ضوابط و مقررات مناسب، سازمان مدیریت

می‌تواند به طور مؤثر در بحث مناقصات تمام شرکت‌های دولتی به خصوص در مورد واگذاری کار توسط شرکت‌های مزبور یا انجام کار مشاوره‌ای و پیمانکاری توسط شرکت‌های دولتی کنترل و نظارت داشته باشد.

در برنامه چهارم توسعه نیز برخی از وظایفی که به عهده سازمان مدیریت گذاشته شده است جزو وظایف نظارتی سازمان مزبور محسوب می‌شوند که در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

ماده یک قانون برنامه سوم توسعه که در برنامه چهارم توسعه نیز تنفیذ شده به تشکیل شورای عالی اداری منجر شده است. براساس این ماده قانونی، رییس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، دبیر شورای عالی اداری بوده و مسئول نظارت بر حسن اجرای مصوبات آن نیز خواهد بود. از آنجایی که مصوبات شورای عالی اداری بر اساس شرح وظایف و اختیارات آن، حوزه وسیعی از امور مربوط به شرکت‌های دولتی را در برمی‌گیرد، از این رو، حیطه نظارت سازمان مدیریت در این خصوص بسیار وسیع است. برخی از این امور عبارت‌اند از: ساختار داخلی شرکت‌ها، تفکیک وظایف حوزه‌های ستادی و استانی، شناسایی و واگذاری وظایف تصدی‌گری شرکت‌های دولتی، اصلاح و مهندسی مجدد نظام‌ها و روش‌های مورد عمل و ارتقای کارایی و بهره‌وری.

در ماده ۱۰۵ قانون برنامه سوم توسعه (تنفیذی در برنامه چهارم توسعه) نیز، تمام طرح‌ها و پروژه‌های بزرگ تولیدی و خدماتی باید پیش از اجرا و در مرحله انجام مطالعات امکان‌سنجی و مکان‌یابی، براساس ضوابط پیشنهادی شورای عالی حفاظت محیط زیست و مصوب هیأت وزیران مورد ارزیابی زیست محیطی قرار گیرند. رعایت نتایج ارزیابی توسط مجریان طرح‌ها و پروژه‌های یادشده الزامی است. نظارت بر حسن اجرای این ماده نیز برعهده سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور گذاشته شده است.

همچنین مطابق مفاد ماده ۱۵۷ قانون برنامه چهارم توسعه، رییس جمهور موظف شده است گزارش نظارت و ارزیابی پیشرفت هر سال برنامه چهارم توسعه را به مجلس شورای اسلامی‌ارایه کند. از آنجایی که مطابق ماده ۵ قانون برنامه و بودجه وظیفه نظارت مستمر بر اجرای برنامه‌ها و پیشرفت سالانه آنها بر عهده سازمان مدیریت

است، این گزارش نیز در طول سال‌های اجرای برنامه چهارم توسعه، باید به طور سالانه توسط سازمان مزبور تهیه و تنظیم شود. در واقع این ماده قانونی نیز به نوعی اشاره به وظیفه نظارت عملیاتی و برنامه‌ای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور دارد.

وزارت امور اقتصادی و دارایی :

وظیفه نظارتی وزارت امور اقتصادی و دارایی به طور عمده ریشه در قانون محاسبات عمومی کشور (مصوب ۱۳۶۶/۶/۱ مجلس شورای اسلامی) دارد. مطابق مفاد این قانون، نظارت وزارت امور اقتصادی و دارایی بیشتر نظارت حین خرج است و توسط ذیحسابان مستقر در دستگاه‌های اجرایی (از جمله شرکت‌های دولتی) اعمال می‌شود. در این قسمت موادی از قانون یادشده که ناظر بر وظایف نظارتی وزارت امور اقتصادی و دارایی است، بیان می‌شود.

به استناد ماده ۱۵ قانون محاسبات عمومی کشور، درآمد شرکت‌های دولتی عبارت است از: درآمدهایی که در قبال ارائه خدمت یا فروش کالا و سایر فعالیت‌هایی که شرکت‌های یادشده به موجب قوانین و مقررات مجاز به انجام آنها هستند عاید آن شرکت‌ها می‌شود که به استناد ماده ۳۹ همان قانون باید به حساب‌های خزانه که در بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران افتتاح می‌شود، تحویل شود. در مورد شرکت‌های دولتی که قسمتی از سهام آنها متعلق به بخش غیردولتی است، در صورتی که اساسنامه آنها با هریک از مواد این قانون مغایر باشد با موافقت صاحبان سهام یادشده قابل اجرا است و در غیر این صورت مواد این قانون نسبت به سهام مربوط به بخش دولتی لازمالاجرا خواهد بود.

ماده ۳۱ قانون محاسبات عمومی کشور مهم‌ترین ماده در خصوص نظارت وزارت امور اقتصادی و دارایی بر شرکت‌های دولتی است. به موجب مفاد این ماده، ذیحساب از سوی وزارت امور اقتصادی و دارایی به منظور اعمال نظارت و تأمین هماهنگی لازم در اجرای مقررات مالی و محاسباتی در وزارتخانه‌ها و مؤسسه‌ها و

شرکت‌های دولتی و دستگاه‌های اجرایی محلی منصوب می‌شود. به استناد این ماده، وزارت دارایی قادر است بر امور مالی و محاسباتی، نگهداری حساب اموال دولتی، نظارت بر اموال یادشده و مواردی از این قبیل در شرکت‌های دولتی نظارت کند.

در ماده ۴۰ قانون مزبور شرکت‌های دولتی موظف شده‌اند روش‌های اجرایی وصول درآمدهای خود را به تأیید وزارت امور اقتصادی و دارایی برسانند.

آیین نامه نحوه اجرای مواد ۴۱ و ۴۲ قانون محاسبات عمومی که به بحث واریز سپرده یا وجه الضمان یا وثیقه و نظایر آن از سوی شرکت‌های دولتی به حساب مخصوص اشاره دارند، توسط وزیر امور اقتصادی و دارایی تصویب و ابلاغ شده است. همچنین در ماده ۴۴ قانون مزبور، شرکت‌های دولتی به پرداخت مالیات و سود سهام دولت مکلف شده‌اند و تخلف از این امر را در حکم تصرف غیرمجاز در وجوه عمومی تلقی کرده است.

آیین نامه اجرایی ماده ۶۲ قانون یادشده نیز که به الزام تأمین اعتبار از سوی شرکت‌های دولتی برای افتتاح اعتبار اسنادی برای خدمات و کالاهای وارداتی اشاره کرده است، توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه شده و به تصویب هیأت وزیران رسیده است.

به موجب تبصره ماده ۷۱ قانون محاسبات عمومی، دولت مکلف است بر مصرف اعتباراتی که به عنوان کمک از محل بودجه شرکت‌های دولتی یا از محل اعتبارات منظور در سایر ردیف‌های بودجه کل کشور به مؤسسه‌های غیردولتی پرداخت می‌شود، نظارت مالی اعمال کند.

تبصره ۲ ماده ۷۲ قانون یادشده نیز به شمول قانون محاسبات عمومی نسبت به اجرای طرح‌های عمرانی شرکت‌های دولتی از نظر مقررات مالی و معاملاتی تصریح کرده است.

همچنین در ماده ۷۶ قانون محاسبات عمومی، شرکت‌های دولتی ملزم شده‌اند تمام پرداخت‌هایشان را از طریق حساب‌های بانکی که از طرف خزانه در یکی از بانک‌ها برای آنان افتتاح می‌شود، انجام دهند.

به استناد ماده ۹۰ قانون یادشده، اعمال نظارت بر مخارج شرکت‌های دولتی از نظر انطباق پرداخت‌ها با مقررات این قانون و سایر قوانین و مقررات مربوط، به عهده وزارت امور اقتصادی و دارایی است.

ماده ۹۶ قانون محاسبات نیز به الزام ارسال گزارش عملیات انجام شده از سوی دستگاه‌های اجرایی به دیوان محاسبات کشور، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت امور اقتصادی و دارایی تأکید کرده است.

همچنین به استناد مواد ۹۸ و ۹۹ قانون محاسبات، شرکت‌های دولتی مکلف‌اند ترازنامه و حساب سود و زیان خود و صورتحساب دریافت و پرداخت طرح‌های عمرانی (اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای) خود را به وزارت امور اقتصادی و دارایی ارسال کنند.

موارد یادشده همگی نشان دهنده نظارت مالی و حین خرج وزارت امور اقتصادی و دارایی هستند. این وزارتخانه از طریق سازمان حسابرسی نیز نظارت ویژه‌ای بر شرکت‌های دولتی دارد که به دلیل اهمیت ویژه این سازمان، به طور مجزا به آن پرداخته شده است.

بازرسی (حسابرس) شرکت‌های دولتی:

یکی از ارکان نظارتی در شرکت‌های دولتی، بازرسی (حسابرس) است. به استناد ماده ۱۴۴ قانون تجارت مجمع عمومی عادی در هر سال یک یا چند بازرسی انتخاب می‌کند تا به وظایف خود عمل کنند.

به استناد مواد ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰ و ۱۵۱ قانون تجارت، بازرسی یا بازرسان مکلف‌اند درباره صحت و درستی صورت دارایی و صورتحساب دوره عملکرد و حساب سود و زیان و ترازنامه‌هایی که مدیران برای تسلیم به مجمع عمومی تهیه می‌کنند و همچنین درباره صحت مطالعات و اطلاعاتی که مدیران در اختیار مجمع

عمومی گذاشته‌اند، اظهار نظر کنند. بازرسان باید اطمینان حاصل کنند که حقوق صاحبان سهام در حدودی که قانون و اساسنامه شرکت تعیین کرده است، به طور یکسان رعایت شده باشد و در صورتی که مدیران اطلاعاتی برخلاف حقیقت در اختیار صاحبان سهام قرار دهند، بازرسان مکلف‌اند که مجمع عمومی را از آن آگاه سازند و در این خصوص گزارش جامعی راجع به وضع شرکت به مجمع عمومی تسلیم کنند. بازرس می‌تواند در هر موقع، هرگونه رسیدگی و بازرسی لازم را انجام دهد و اسناد و مدارک و اطلاعات مربوط به شرکت را مطالبه کند و مورد رسیدگی قرار دهد. همچنین باید هرگونه تخلف یا تقصیری را که در امور شرکت از ناحیه مدیران مشاهده می‌کند به اولین مجمع عمومی اطلاع دهد و در صورتی که ضمن انجام مأموریت خود از وقوع جرمی مطلع می‌شود باید موضوع را به مراجع قضایی صلاحیت‌دار اعلام کند و جریان را به اولین مجمع عمومی گزارش دهد.

به موجب قانون تشکیل سازمان حسابرسی (مصوب ۱۳۶۲/۱۰/۵ مجلس شورای اسلامی) وظیفه حسابرسی و بازرسی قانونی تمام شرکت‌های دولتی را سازمان حسابرسی بر عهده دارد. به موجب این قانون، دولت مکلف شده است سازمان حسابرسی را تأسیس و تمام کادر متخصص را از واحدهای حسابرسی وزارتخانه‌ها، مؤسسه‌ها و شرکت‌های دولتی به سازمان یادشده منتقل کند.

این سازمان وابسته به وزارت امور اقتصادی و دارایی بوده و اهم وظایف آن عبارت است از: انجام وظایف بازرسی قانونی و حسابرسی تمام شرکت‌های دولتی، مؤسسه‌ها و سازمان‌های انتفاعی دولتی و ارائه خدمات مالی به تمام دستگاه‌های اجرایی (از جمله شرکت‌های دولتی) در صورت درخواست آنها.

اهم وظایف این سازمان در قبال شرکت‌های دولتی مطابق اساسنامه آن عبارت‌اند از: انجام وظایف بازرسی قانونی و حسابرسی تمام شرکت‌های دولتی که صد در صد سرمایه آن متعلق به دولت، وزارتخانه‌ها، مؤسسه‌ها یا شرکت‌های دولتی است. انجام وظایف بازرسی قانونی و حسابرسی سایر شرکت‌هایی که بیش از ۵۰ درصد سرمایه آنها به طور مستقیم یا غیرمستقیم متعلق به وزارتخانه‌ها، مؤسسه‌ها یا شرکت‌های دولتی به تشخیص

وزارت امور اقتصادی و دارایی باشد. انجام وظایف بازرسی قانونی و حسابرسی شرکت‌های فرعی، بانک‌ها، مؤسسه‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی و نهادهای انقلاب اسلامی. حسابرسی طرح‌های تملک دارایی‌های ثابت و سایر قراردادهای ایجاد دارایی ثابت مورد اجرا در شرکت‌های دولتی.

بدین ترتیب از سال ۱۳۶۲ در عمل، سازمان حسابرسی در تمام شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت وظایف بازرسی قانونی مطرح در قانون تجارت را بر عهده داشته است و در واقع نوعی انحصار در این فعالیت به وجود آمد.

از سال ۱۳۷۲ با تصویب قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذی‌صلاح به عنوان حسابدار رسمی، به دولت اجازه داده شد از حسابداران ذی‌صلاح در امور حسابرسی و بازرسی قانونی شرکت‌های دولتی نیز استفاده کند. در واقع با تصویب این قانون نه تنها انحصار سازمان حسابرسی شکسته شد، بلکه امور حسابرسی در یک فضای رقابتی قابل واگذاری به بخش خصوصی شد. البته، براساس قانون مزبور، شرایط و ضوابط مربوط به تعیین صلاحیت حسابداران رسمی و چگونگی انتخاب آنان مطابق آیین‌نامه‌ای است که به تصویب هیأت وزیران رسیده است.

دیوان محاسبات کشور:

مبنای قانونی تشکیل دیوان محاسبات کشور به قانون اساسی باز می‌گردد. به موجب اصل ۵۴ قانون اساسی، دیوان محاسبات کشور به طور مستقیم زیر نظر مجلس شورای اسلامی است و در اصل ۵۵ قانون اساسی در شرح وظایف دیوان محاسبات آمده است: دیوان محاسبات به تمام حساب‌های وزارتخانه‌ها، مؤسسه‌ها و شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌هایی که به‌نحوی از انحا از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند، به ترتیبی که قانون مقرر می‌دارد، رسیدگی یا حسابرسی می‌کند که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد. دیوان محاسبات، حساب‌ها و اسناد و مدارک مربوط را برابر قانون، جمع‌آوری و

گزارش تفریغ بودجه هر سال را به انضمام نظرات خود به مجلس شورای اسلامی، تسلیم می‌کند. این گزارش باید در دسترس عموم گذاشته شود.

ماده یک قانون دیوان محاسبات کشور (مصوب ۱۱/۱۱/۱۳۶۱ و اصلاحیه‌های بعدی آن) اعمال کنترل و نظارت مستمر مالی از طریق کنترل عملیات و فعالیت‌های مالی شرکت‌های دولتی و همچنین بررسی و حسابرسی وجوه مصرف شده و درآمدها و سایر منابع اعتبار در ارتباط با سیاست‌های مالی تعیین شده در بودجه مصوب با توجه به گزارش عملیاتی و محاسباتی مأخوذه از دستگاه‌های مربوط را از اهداف دیوان محاسبات عنوان کرده است.

ماده ۲ قانون یادشده نیز مجدداً تأکید کرده است که یکی از مصادیق دستگاه‌ها در این قانون شرکت‌های دولتی هستند و متعاقباً بررسی عملیات مالی، اختلاف حساب‌ها، تفریغ بودجه و مواردی از این قبیل دستگاه‌ها (از جمله شرکت‌های دولتی) را در مواد ۳ تا ۸ از وظایف دیوان محاسبات عنوان کرده است. دیوان محاسبات با دارا بودن دادسرا، دادیاران و در رأس آن دادستانی و همچنین هیأت‌های مستشاری (مركب از ۳ مستشار) وظایف خود را به انجام می‌رساند. هیأت‌های مستشاری به‌موارد یادشده در قانون رسیدگی و انشای رأی می‌کنند.

ماده ۲۳ قانون یادشده ضمن بیان موارد تخلف، مجازات‌های اداری را که توسط هیأت‌های مستشاری صادر می‌شود، در تبصره آن ماده احصا کرده است. پس همانگونه که در قانون بیان شد، دیوان محاسبات ضمن نظارت و بررسی تمام امور مالی مربوط به شرکت‌های دولتی، در صورت وقوع تخلف، رأساً می‌تواند ضمن صدور رأی، متخلفان را نیز به مجازات‌های مقرر محکوم و همچنین در صورت احراز وقوع جرم ضمن اعلام رأی، پرونده را از طریق دادسرای دیوان برای تعقیب به مراجع قضایی ارسال کند.

مطابق ماده ۲۶ قانون دیوان محاسبات، آرای دیوان محاسبات کشور را دادستان یا نماینده او برای اجرا به دستگاه‌های مربوط ابلاغ و نسخه ای از آن را به وزارت امور اقتصادی و دارایی ارسال و در اجرای آنها مراقبت

می‌کند. در صورتی که آرا اجرا نشود، دادستان دیوان محاسبات کشور موظف است مراتب را به مجلس شورای اسلامی اعلام کند.

سازمان بازرسی کل کشور:

به استناد اصل ۱۷۴ قانون اساسی براساس حق نظارت قوه قضاییه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری، سازمانی به نام سازمان بازرسی کل کشور زیر نظر رییس قوه قضاییه تشکیل شده که حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب سال ۱۳۶۰ و اصلاحات آن مصوب سال ۱۳۷۵، تعیین کرده است.

به استناد بند «الف» ماده ۲ قانون یادشده بازرسی مستمر تمام وزارتخانه‌ها و اداره‌ها و نیروهای نظامی و انتظامی و مؤسسه‌ها و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسه‌های وابسته به آنها و دفاتر اسناد رسمی و مؤسسه‌های عام‌المنفعه و نهادهای انقلابی و سازمان‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه یا سهام آنان متعلق به دولت است یا دولت به نحوی از انحا بر آنها نظارت یا کمک می‌کند و تمام سازمان‌هایی که شمول این قانون نسبت به آنها مستلزم ذکر نام آنها بوده، از وظایف سازمان بازرسی کل کشور است.

مطابق ماده ۲ قانون مزبور، بازرسی سازمان از شرکت‌های دولتی می‌تواند به دو صورت مستمر و فوق‌العاده باشد و وظایف و مسؤولیت‌های سازمان بازرسی برای نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین از یکی از دو طریق یاد شده صورت می‌پذیرد. به استناد بند «ج» این ماده، تخلف و نارسایی‌ها و سوءجریان‌های اداری و مالی درخصوص شرکت‌های دولتی از طریق سازمان بازرسی به وزیر ذی‌ربط اعلام خواهد شد. همچنین به استناد بند «د» ماده یادشده در صورتی که گزارش بازرسی حاکی از سوءجریان مالی یا اداری باشد، رییس سازمان یک نسخه از آن را با دلایل و مدارک برای تعقیب و مجازات مرتکب، به طور مستقیم به مرجع قضایی صالح و مراجع اداری و انضباطی مربوط منعکس و تا حصول نتیجه نهایی پی‌گیری خواهد کرد.

بازرسی در سازمان بازرسی کل کشور توسط بازرسی یا هیأت‌های بازرسی مطابق مقررات قانون یادشده به عمل می‌آید و رسیدگی به گزارش‌های سازمان در مراجع قضایی و هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری خارج از نوبت است.

به استناد ماده ۸ قانون مزبور تمام مسؤولان شرکت‌های دولتی مکلف به همکاری لازم و ارایه اطلاعات و مدارک مورد نیاز هیأت‌های بازرسی هستند که عدم همکاری در این زمینه توسط کارکنان شرکت‌های دولتی به موجب تبصره یک ماده ۸ این قانون موجب حبس از ۳ ماه تا ۶ ماه یا انفصال موقت از خدمات دولتی تا یک سال خواهد بود. همچنین وزیر یا مسؤول دستگاه یا مدیریت شرکت‌های دولتی ملزم به رعایت پیشنهادهای مندرج در گزارش بازرسی هستند. به استناد ماده ۱۲ قانون مزبور سازمان حسابرسی، مسؤولان حراست و نظارت و بازرسی وزارتخانه‌ها و مؤسسه‌های مشمول بازرسی چنانچه به سوءجریانی در رسیدگی به عملکرد مالی و اداری دستگاه‌های اجرایی و شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت برسند که مربوط به وظایف سازمان بازرسی باشد، باید مراتب را به اطلاع سازمان بازرسی کل کشور برسانند.

ماده یک آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور (مصوب سال ۱۳۶۰ و اصلاحات مصوب ۱۳۷۵) بازرسی سازمان را به بازرسی مستمر، فوق العاده و رسیدگی به شکایتها تقسیم کرده است.

بازرسی مستمر حداقل سالی یک بار صورت می‌پذیرد که وظایف بازرسان یا هیأت‌های بازرسی در بازرسی‌های مستمر در ماده ۶ آیین‌نامه یادشده، عنوان شده است (بررسی وضع سازمان‌ها و مؤسسه‌های مورد بازرسی از حیث حسن جریان امور اداری، اجرای قوانین و طرح‌ها و برنامه‌های مربوط، طرز رفتار ریسان و...)

به استناد ماده ۹ آیین‌نامه یادشده هرکسی می‌تواند شکایت خود علیه شرکت‌های دولتی را به طور مستقیم به سازمان بازرسی کل کشور تسلیم کند. در قسمت‌های مختلف قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور و آیین‌نامه اجرایی آن، ضمانت‌های اجرایی مختلفی برای انجام مناسب‌تر وظایف سازمان عنوان شده است و عدم

همکاری از سوی مسؤولان دستگاه‌های مشمول را تحت عنوان تخلف قابل تعقیب دانسته است. سازمان مزبور به استناد ماده ۲۹ آیین‌نامه اجرایی خود می‌تواند پیشنهادهای اصلاحی خود را به شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌های مشمول برای اصلاح ساختار و رفع نقایص ارایه دهد.

به استناد ماده ۴۹ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور، مسؤولان اداره‌های نظارت و بازرسی و حراست‌های مستقر در وزارتخانه‌ها و شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت مکلف‌اند به طور مستقیم موارد سوءجریان و تخلفات و نارسایی‌های دستگاه مربوط را در اسرع وقت حسب مورد به سازمان بازرسی کل کشور اعلام کنند.

ماده ۳۵ آیین‌نامه یادشده به سازمان اجازه می‌دهد بازرسی را از سازمان‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه یا سهام آنها متعلق به دولت است یا دولت به نحوی از انحا بر عملکرد آنها نظارت دارد یا به آنها کمک می‌کند، هرچند که این قبیل سازمان‌ها غیردولتی باشند، به عمل آورد. از این رو، همانگونه که مشاهده می‌شود برخلاف دیوان محاسبات کشور، حیطة اختیارات سازمان بازرسی کل کشور بسیار وسیع‌تر است و می‌تواند علاوه بر شرکت‌های دولتی، شرکت‌های غیردولتی یا شرکت‌هایی را که قسمتی از سهام آنها متعلق به دولت است یا دولت تنها بر عملکرد آنها نظارت دارد یا به آنها کمک می‌کند، نیز مورد بررسی قرار دهد.

دیوان عدالت اداری :

بر اساس اصل ۱۷۳ قانون اساسی، به منظور رسیدگی به شکایات، تظلم‌ها و اعتراض‌های مردم نسبت به مأموران یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رییس قوه قضاییه تأسیس شده است.

در قانون دیوان عدالت اداری (مصوب ۱۱/۰۴/۱۳۶۰ با اصلاحیه‌های بعدی) حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان تعیین شده است.

به استناد ماده ۱۱ قانون یادشده از موارد صلاحیت دیوان، رسیدگی به شکایت‌ها، تظلم‌ها و اعتراض‌های اشخاص حقیقی یا حقوقی از تصمیم‌ها و اقدام‌های واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسه‌ها و شرکت‌های دولتی، شهرداری‌ها و همچنین تصمیم‌ها و اقدام‌های مأموران واحدهای یادشده در امور راجع به وظایف آنها است. بنابراین اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند با ابزار دیوان عدالت اداری نسبت به اقدام‌های خلاف مقررات شرکت‌های دولتی پی‌گیری لازم را به عمل آورند و شعبه مأمور رسیدگی نیز می‌تواند در حدود قانون، هرگونه تحقیقی را که ضروری است، به عمل آورد یا انجام آن را از هر یک از مراجع قضایی یا اداری تقاضا کند. شرکت‌های دولتی نیز به استناد ماده ۱۶ قانون یادشده موظف هستند با دیوان همکاری لازم را داشته باشند و مدارک مورد نیاز را برای آن ارسال کنند.

ماده ۲۱ این قانون درخصوص ضمانت اجرای احکام دیوان بیان داشته است که واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسه‌ها و شرکت‌های دولتی مکلفاند احکام دیوان را در آن قسمت که مربوط به واحدهای یاد شده است اجرا کنند و در صورت استنکاف، با حکم رییس کل دیوان به انفصال از خدمات دولتی به مدت یک تا ۵ سال محکوم می‌شوند.